

آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی:



آیت الله میلانی را ما در همان سه چهار سالی که در عتبات بودیم، می دیدیم. ایشان از افراد نزدیک و مورد اعتماد آیت الله قمی بود و در کربلا درس خارج داشتند و میان اهل علم محترم بودند. بعدتر که از عتبات برگشتیم، شنیدیم در کربلا عالمی شیرازی نام خیلی مطرح شده و آیت الله میلانی دیگر مانند گذشته در مرکز توجه نبود، و در نجف هم ظاهر چندان مورد اقبال قرار نگرفته بود. در حدود سال های ۱۳۳۲ یا ۱۳۳۳ بعد از جریان دکتر مصدق گفتند آیت الله میلانی به مشهد آمدند. البته پیش از آن نیز، در سال های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ که من هنوز به قم نرفته بودم یک بار به مشهد آمده و برای سه چهار نفر درسی هم شروع کرده بودند، اما چون زمینه ای فراهم نبود، درس جدی شکل نگرفت و ایشان بازگشتند به عتبات. اما این بار که آمدند، در منزل مرحوم آقای نوغانی وارد شدند. مرحوم میرزا علی اکبر نوغانی در مشهد بسیار موجه بود و مریدان زیادی داشت و حضور آیت الله میلانی در خانه ایشان، موقعیت اجتماعی و علمی ایشان را در مشهد تقویت کرد. پسرشان، مهدی آقا، منزل وسیع و مشهوری داشت که روضه های محرم و صفر در آن برگزار می شد؛ هنوز هم برقرار است، اگرچه در آن زمان بسیار مفصل تر بود. آیت الله میلانی مدتی در آنجا اقامت داشتند. ایشان ابتدا می گفتند که قصد ماندن ندارند، اما کم کم مشخص شد که تصمیم به اقامت گرفته اند. پس از مدتی برای ایشان منزلی خریدند و درس خود را آغاز کردند؛ درسی بسیار خوب و پر بار. آیت الله میلانی از شاگردان مرحوم نائینی و مرحوم آشیخ محمدحسین اصفهانی معروف به «کمپانی» بودند و مشهور بود که هیچ کس مانند ایشان به میانی علمی کمپانی احاطه نداشت. همان میانی را هم در درس خود مطرح می کرد و به همین دلیل میان طلاب بسیار مورد توجه بود. مرجعیت ایشان نیز به سرعت گسترش یافت؛ به گونه ای که می توان گفت در سال های اخیر پیش از ایشان، مرجعی در آن سطح توجه و اقبال عمومی نداشتیم. پس از آغاز حرکت ۱۵ خرداد، آیت الله میلانی از نهضت قم و جریان های آن حمایت

استاد کاظم مدیرشانه چی:



مرحوم آقای میلانی از مدرسین مهم نجف و کربلا بودند؛ هرچند بیشتر دوران سکونت ایشان در کربلا گذشت و در آنجا حوزه درس بسیار پر رونقی داشتند. ایشان به عنوان استادی برجسته شناخته می شدند. همان طور که عرض کردم، یکی از استادان مهم ایشان مرحوم کمپانی بودند که در اصول، صاحب نظر و بسیار دقیق بودند و مباحث فلسفی را نیز در علم اصول وارد کرده بودند. همچنین مرحوم نائینی را زیارت کرده بودند و از دیگر بزرگان حوزه نجف بهره می بردند. آقای میلانی در کربلا نوعی زعامت علمی داشتند و جمعی از فضلا در درس ایشان شرکت می کردند. سال ها به عنوان یکی از مدرسان ممتاز عراق شناخته می شدند، تا اینکه برای زیارت به مشهد مشرف شدند. تقریباً در سال ۱۳۲۵ به مشهد تشریف آوردند. ما که در درس خارج شرکت می کردیم و اهمیت درس ایشان را شنیده بودیم، از ایشان درخواست کردیم که در مشهد توطن کنند و به تدریس بپردازند. ایشان نیز گویا در نظر اولیه چنین قصدی داشتند. این تقاضای ما تأثیر داشت و ایشان پذیرفتند. از طرفی برخی تجار مشهد و مخصوصاً تجار تهرانی مقیم مشهد، که در همان دوران حضور ایشان در عراق مقلد و ارادتمند ایشان بودند، تصمیم گرفتند خانه ای برای ایشان تهیه کنند. ملکی در نزدیکی «بیت» خریداری کردند و آقا در آنجا سکونت یافتند. در ابتدا، هنگام ورود، مدتی در

می کردند. وقتی امام را برای نخستین بار بازداشت و زندانی کردند، علما و مراجع تراز اول ایران در تهران گرد آمدند؛ زیرا گفته می شد قصد دارند ایشان را حتی اعدام کنند. از مشهد، آقای میلانی به تهران رفتند. آقای قمی نیز همان زمان در زندان بودند؛ وقتی امام را گرفتند، ایشان را هم بازداشت کرده بودند و هر دو در زندان به سر می بردند.

به هر حال، از مشهد آیت الله میلانی راهی تهران شدند و از قم و دیگر شهرها نیز علمای برجسته آمدند. من هم همان زمان به تهران رفتم. یک بار هم به منزل آیت الله میلانی رفتم و روزی را به یاد دارم که ظهر، جمعی از علما و افراد را دعوت کرده بودند و من نیز در آن جمع حضور داشتم. پس از آن که ماجرای بازداشت ها پایان یافت، آیت الله میلانی به مشهد بازگشتند و در واقع از جمله کسانی بودند که از امام و حرکت ایشان دفاع می کردند؛ هرچند نه آن چنان تند و پر حرارت که تصور شود بیش از حد درگیر بوده اند. در قم افرادی بودند که مواضع شان بسیار تندتر بود؛ حتی در خود مشهد نیز آقای قمی در آغاز، بسیار داغ و فعال بود، تا زمانی که او را هم بازداشت کردند. بعدها، نزدیک زمان بازگشت امام، اوضاع تغییر کرده بود و دیگر شرایط مثل سال های نخست نبود. در همان مقطع، آیت الله میلانی نیز از دنیا رفته بودند. به گمانم در سال ۱۳۹۵ قمری بود که ایشان وفات کردند. پس از رحلت ایشان، آیت الله سید عبداللّه شیرازی از نجف به مشهد آمدند. ایشان هم بسیار مورد توجه قرار گرفتند و از انقلاب حمایت می کردند. مدتی نیز پس از پیروزی انقلاب زنده بودند و سپس از دنیا رفتند. منزل ایشان محل رفت و آمد و اجتماعات فراوان بود و همان جا هم تیراندازی و حوادثی رخ داد که لابد شنیده اید. در سال ۱۳۴۱، دعوتی از سوی انجمن های مهندسين، به ویژه انجمن اسلامی مهندسين که بیشتر اعضای آن شاگردان و دوستان مهندس بازگان بودند، برگزار شد. من نیز از طرف انجمن تبلیغات اسلامی و نمایندگی آیت الله میلانی در این جلسه حضور یافته، همچنین آقای احمدزاده از طرف «کانون نشر حقایق اسلامی» که مربوط به مرحوم استاد شریعتی بود حضور داشت. یادم می آید در قطار با هم نشستیم و به مقصد حرکت کردیم. جلسه در مدرسه رفاه در نارمک برگزار شد و از جمله کسانی که در آن جلسه حاضر شدند، مرحوم علامه طباطبایی، آیت الله طالقانی و خود مهندس بازگان بودند. هر کس در آن جلسه فرصت داشت، صحبت می کرد و مباحث مطرح می شد.

مصاحبه با مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۲۲/۰۷/۱۳۸۰

منزل مرحوم آقا میرزا علی اکبر نوغانی، متولی مدرسه نواب اقامت داشتند تا اینکه مردم خانه ای برای ایشان تهیه کردند و به آنجا منتقل شدند. اولین محل تدریس ایشان مسجد حاج ملاهاشم (مسجد نایب) بود که اکنون کنار مدرسه نواب بازسازی شده و عمارت نوسازی دارد. ایشان نخست در همان جا درس اجاره (از مباحث فقه خارج) را آغاز کردند و ما نیز در آن درس حضور داشتیم و تا پایان دوره همراه بودیم. سپس تدریس ایشان به مسجد گوهرشاد منتقل شد، زیرا جمعیت بیشتری از طلاب حاضر می شدند، و درس فقه و اصول ایشان در آنجا برگزار می گردید. این درس اخلاقی که آیت الله میلانی بیان می کردند، در واقع به تقاضای من و احتمالاً برخی دیگر از دوستان بود.

آیت الله میلانی مردی بزرگوار و وارسته بودند. همان طور که عرض کردم، ایشان در دوران اقامت خود در عراق، علاوه بر فقه و اصول، نزد برخی از بزرگان در زمینه های اخلاق، معارف و سیر و سلوک نیز درس خوانده و بهره برده بودند؛ به همین دلیل شخصیتی بسیار متین، موقر و وزین داشتند. در درس فقه و اصول نیز انصافاً مردی شایسته بودند؛ هم از نظر مبانی علمی و هم از جهت استادانی که نزد آنان تلمذ کرده بودند. سلوک ایشان با طلاب بسیار دوستانه و صمیمی بود. البته این ویژگی مخصوص ایشان نبود، و بسیاری از اساتیدی که ما در مشهد داشتیم همین گونه بودند. رفتارشان طوری نبود که احساس شود استاد در مقام بالاتر و طلبه صرفاً شاگرد است؛ بلکه با طلاب رفاقت و همراهی داشتند. اگر احساس می کردند طلبه ای اهل درس است اما مشکل مالی دارد، کمک قابل توجهی به او می کردند. علاوه بر این، در حوزه شهریه ای داشتند که به برخی از طلاب کوشا و پرتلاش، کمک بیشتری اختصاص می دادند.

مصاحبه با مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳/۰۴/۱۳۸۰